

## « ساختار واژه »

### درس پنجم فارسی یازدهم

\*واژه از نظر شکل و ساختمان : ( الف ) ساده ( ب ) غیر ساده

**الف) ساده :** واژه ای است که تنها از یک جزء ، آن هم معنی مستقل دار تشکیل شده باشد.

**مثال :** قاب ، گنج ، گنجشک ، تیشه ، موازات ، موالات ، مساوات ، روایات ، عاطفه ، مؤلفه ، خاطره ، مصاحبه ، نکات ، لغات ، مقالات و ...

**ب) غیر ساده :** واژه ای است که بیش از یک جزء داشته باشد. شامل (وندی ، مرکب ، وندی- مرکب) است.

**۱) \* (وندی) :** واژه ای است که بیش از یک جزء داشته باشد و فقط یک جزء آن معنی دار باشد.

**مثال:** فـرا (بیشوند) هم (= یکدیگر) - نخستین - اولین - صوفیان - صحنه (صحن + ه) - معنوی (معنا + ی) - استعاری (استعاره + ی) - فـراهم (= فرا + وند) + هم) - حماسی (حماسه + ی) - درخواست - درآمد - برآیند - ورپرده - بازسازی - فراگیری - فراخوان - فروپاشی - بررسی - باز خورد - کوله - شناسه - میانگین - رودبار - جویبار - واپسین - جوانه - تنه - گفتمان - سگالش - سبُعیت - چارچی - مورچه - ماهیچه - صوفی گری - میانجی گری - پوسته - نکوهش - شیره - جاویدان - دهانه - شاخه - بدنه - پایه - دسته - زیبا ترین - هنرها - راهیان

\* توجه : از این به بعد ( نشانه های جمع / تر ، ترین / م ، مین ) واژه را وندی / می سازند.

**۲) \* مرکب :** واژه ای است که بیش از یک جزء دارد و تمام اجزای آن معنی دهد. مثال: سرانجام - سردار - سرزمین - قلمرو - تازه وارد - به گزین - سرباز

**۳) \* وندی - مرکب :** واژه ای است که بیش از دو جزء داشته باشد و فقط دو جزء آن معنی دهد.

**مثال :** گفت و گو ، دانشسرا ، رنگارنگ ، رو به رو ، لبالب ، پی در پی ، گوناگون ، سرزنش ، روا دید (رو = آ / ا و بسته / دید = آ) ، خودکامه - دلواپس - سررشته - سرباز گیری - تأمل بر (وند) انگیز - دربرگیرنده (= در (وند) بر (اسم) گیر (بن) نده (وند)) - ریشه یابی - خرده گیری - بلند پایه (ی = صامت میانجی) - جداندرجد - شباروز - شباهنگام - سربازی - واژه هایی « چون: جست و جو / جستجو - ششت شو / شست و شو و ... » جدا یا پیوسته نوشته شود به عنوان وندی - مرکب است. - سازوکار - کارگشایان - کارگشایی

\* نکته ی مهم: برخی از واژه ها هستند که به نظر غیر ساده می رسند ولی پیشینه ی تاریخی دارند ، از آن جایی که در دستور امروز به ظاهر توجه می شود ، بنابراین نمی توان آن ها را غیر ساده دانست ، بنابراین آن ها را به عنوان واژه ی ساده می پذیریم.

**مثال :** پوزش ، چالش ، نیایش ، نمک ، امروز ، دیروز ، دیشب ، گلشن ، فرهنگ ، پایان ، تکافو ، کنکاش ، دلفک ، پرواز ، کرنش ، منش ، دشمن ، راندمان ، دشنام ، شبستان ، رابطه ، پشتوانه ، متصوفه ، مبارزه ، جامعه ، مکاشفه ، حادثه ، دمدمه ، همهمه ، قهقهه ، چندش ، سفارش ، دربار ، فراموش ، حلقه ، بیهوده ، دشوار ، بیزار ، کفران ، واژگون ، بطلان ، غفران ، ماکیان (مرغ خانگی) ، ترسا (مسیحی) ، رؤیا ، نواده ، توشه ، درک (= عمق جهنم) ، خوشه ، ماشه ، دوران ، پرگار ، پرونده ، پرخاش ، پرتاب ، پرداخت ، منجلاب ، پردیس ، قهرمان ، پرده ، زیره ، وارونه ، برزیگر ، خوالیگر ، پرسه ، پریان ، چوگان ، پروانه ، پریشب ، چمدان ، پیشوا ، ناناوا ، بالین ، عطشان ، جولان ، ناصرالدین ، میترا بیسم ، قهرمان ، مستمند ، دفین ، دلفینه ، ظنین ، دیباچه ، حمیت ، هویت ، ماهیت ، بهین ، کهن ، کمین ، مهین ، دیوان ( اداره ی حکومت / مجموعه ی شعر یک شاعر)